



An Investigating the Equivalents of 'Lam' and 'Lamma' in Russian Translation of the Holy Quran *



Leila Khanjani ^۱

Mohsen Nurai ^۲

Mojtaba Aghajani ^۳

Abstract

Russian Islamologists have long paid attention to the translation of the Holy Quran, and the translation of the Holy Quran into Russian is for three hundred years ago. In the translations of the Holy Quran, the transmission of various grammatical-semantic elements is of great importance. One of these elements is the aspect of the verb. Aspect refers to one of the characteristics of the verb tense that shows how it occurs in one of the three tenses and it is necessary to pay attention to it in translation. One of the means of expression of the aspect in Arabic is 'lam' and 'lamma' which comes from the present tense verb and changes its meaning to the negative past tense. Depending on the context of the sentence, it includes various semantic applications such as continuity and stability, occurrence and completion, and so on. In this article, the reflection of 'lam' and 'lamma' in four Russian translations of the Holy Quran by Nouri Osmanov, Elmir Kuliev, Valeria Porokhova, and Ignaty Krachkovsky has been studied with a descriptive-analytical method. All of the above translations have shortcomings in the expression derived from 'lam' and 'lamma'. Therefore, at the end of each verse, a suggested translation is provided.

Keywords: Quran, Russian Translation, Aspect, Negative Present Tense, 'Lam' and 'Lamma'.

*. **Date of receiving:** April ۲۲, ۲۰۲۲; **Date of correction:** July ۲, ۲۰۲۲; **Date of approval:** September ۷, ۲۰۲۲.

^۱. Assistant Professor, Department of Russian Language, Guilan University, Rasht, Iran: (lkhanjani@guilan.ac.ir).

^۲. Associate Professor, Faculty of Theology and Islamic Studies, Mazandaran University, Babolsar, Iran: (m.nouraei@umz.ac.ir).

^۳. Doctoral student of Quran and Hadith Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran (m.aghajani^۱@gmail.com)



بررسی و نقد برابر نمود مضارع منفی به «لم» و «لما» در ترجمه روسی قرآن کریم*

لیلا خان جانی^۱ و محسن نورائی^۲ و مجتبی آقاجانی^۳



چکیده

ترجمه قرآن از نخستین عرصه‌های فعالیت مستشرقان است. مستشرقان روسی نیز خیلی زود و از حدود سیصد سال پیش به این عرصه روی آورده‌اند. کارنامه اسلام پژوهان روسی در عرصه ترجمه از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی است. یکی از زمینه‌های قابل بررسی، میزان کامیابی مترجمان در زمینه انتقال درست عناصر دستوری است. نمود از ویژگی‌های زمان فعل و بیانگر چگونگی وقوع آن در یکی از زمان‌های سه‌گانه است. یکی از ابزارهای بیان نمود در زبان عربی «لم» و «لما» است. این دو حرف با قرارگرفتن بر سر فعل مضارع معنای آن را به فعل ماضی منفی تغییر می‌دهند و با توجه به بافت جمله کاربردهای معنایی گوناگونی مانند تداوم و ثبوت، حدوث و اتمام را در بر می‌گیرد. نوشتار حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی فراهم شده است در تلاش است تا چهار ترجمه روسی قرآن ترجمه «عثمانف»، «کولیف»، «پراخووا»، «کراچکوفسکی» را از این منظر به بحث بنشیند. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد ترجمه‌های مذکور، در بیان نمود برآمده از «لم» و «لما» دارای کاستی و فاقد دقت لازم است. از این رو در پایان هر آیه، ترجمه پیشنهادی نیز ارائه شده است. نتیجه این پژوهش در حوزه مطالعات استشرق کاربرد دارد، همچنان که در زمینه ترجمه قرآن به زبان روسی نیز سودمند است.

کلیدواژه: مستشرقان روس، ترجمه روسی قرآن، نمود، مضارع منفی، لم و لما.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۲؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۴/۱۱ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۶/۱۶.

۱. استادیار گروه زبان روسی دانشگاه گیلان، رشت، ایران (نویسنده مسئول): (lkhanjani@guilan.ac.ir)

۲. دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران: (m.nouraei@umz.ac.ir)

۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (m.aghajani14@gmail.com)



۱. مقدمه

مطالعات قرآنی از عرصه‌های مهم فعالیت مستشرقان است. خاورشناسان از زوایای گوناگون به مطالعه و اظهارنظر درباره قرآن اهتمام دارند. توجه مستشرقان به ترجمه قرآن پیشینه طولانی دارد. ترجمه قرآن کریم به زبان‌های اروپایی از قرن هفده آغاز شد. پوسنیکوف (P.V. Posnikov) نخستین ترجمه روسی قرآن را در اوائل قرن هجده (۱۷۱۶م) بر پایه ترجمه آندره دوریه (André Du Ryer) ارائه داد. با گسترش شرق‌شناسی در روسیه و همچنین ارتباط اجتماعی و فرهنگی مردم روس با مسلمانان، ترجمه‌های مختلفی از سوی مترجمان روس ارائه شد که هریک از ویژگی‌های خاصی برخوردارند و با اهدافی معین نوشته شده‌اند.

نوشته‌ار پیش‌رو از میان ترجمه‌های روسی قرآن کریم، چهار ترجمه «محمد نوری عثمانف» (Магомед-Нури Османов)، «المیر کولیف» (Эльмир Кулиев)، «والر یا پراخووا» (Валерия Михайловна Порохова)، «ایگناتی کراچکوفسکی» (Ignati Kratchkovski) را مبنای بررسی قرار می‌دهد. چهار اثر یادشده از ترجمه‌های معاصر قرآن است که بی‌واسطه از زبان عربی به روسی انجام شده است. روشن است که ترجمه‌های غیرمستقیم از دقت بالایی برخوردار نیست، چه‌بسا بسیاری از کلمات و تعابیر و نیز جملات زبان واسطه با زبان عربی مطابقت ندارد.

محمد نوری عثمانف در سال ۱۹۹۵ ترجمه‌ای تف‌سیری از قرآن کریم ارائه داد که با شرح و بسط آیات به زبان روسی به درک هرچه بیشتر آن کمک شایانی کرد. در ترجمه المیر کولیف که در سال ۲۰۰۲ منتشر شد، به ترجمه معنای آیات توجه بیشتری شده است. والر یا پراخووا در سال ۱۹۹۱ ترجمه منظومی از قرآن ارائه داد و در آن به حفظ حالت آهنگین زبان قرآن اهتمام ورزید. ترجمه ایگناتی کراچکوفسکی در سال ۱۹۶۳ منتشر شد و در آن بر انتقال مفاهیم قرآنی تأکید شده است.

برای ارائه ترجمه در ست هر متن در هر زبانی توجه به قواعد مختلف معنایی - دستوری از اهمیت بسزایی برخوردار است. توجه به این قواعد در قرآن به علت جنبه الهی و کهن بودن متن آن اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند. در ترجمه‌های روسی قرآن کریم این قواعد رعایت شده است؛ اما با این حال در مواردی نیز بی‌توجهی به آن، سبب برخی نارسایی‌ها در انتقال مفهوم شده است. یکی از مهم‌ترین قواعد، نمود افعال است. توجه به این ویژگی در ترجمه از ارکان مهم انتقال صحیح مفهوم از زبان مبدا به مقصد است. از این‌رو در ترجمه متن قرآن از زبان عربی به زبان روسی نیز دقت در این مقوله بسیار حائز اهمیت است تا جایی که عدم توجه به آن سبب نارسایی ترجمه خواهد شد. نمود از مقوله‌های معنایی - دستوری است که نحوه رویداد فعل در یکی از زمان‌های گذشته، حال یا آینده را نشان می‌دهد. به‌دیگر سخن آن را باید بازتابی از چگونگی انجام فعل در یکی از زمان‌های سه‌گانه دانست که ارتباط تنگاتنگی با زمان دارد و آن ویژگی از زمان است که حالت وقوع فعل را می‌رساند.

از نظر معنایی، نمود، نشان‌دهنده چگونگی وقوع فعل در زمان است. به‌عنوان مثال وقوع آن متصل بوده یا منقطع، مستمر بوده یا غیرمستمر، ثابت بوده یا حادث، تام بوده یا غیرتام و ... گاهی برای فهم درست نمود افعال باید به قواعد دستوری توجه شود. قواعد دستوری آن‌دسته از حروف یا اسمایی است که تغییرات ظاهری افعال را به‌همراه دارد که این تغییرات به تحول معنا یا زمان فعل منجر می‌گردد. در میان حروفی که ظاهر فعل را دگرگون می‌کنند و در کیفیت حادث شدن فعل در زمان تأثیرات شگرفی می‌گذارند، می‌توان از «لم» و «لما» نام برد. این دو حرف با اعمال کردن تأثیر دستوری جزم در فعل مضارع، زمان آن را نیز دگرگون می‌کند و در چگونگی حدوث فعل در پهنه زمان نقشی تعیین‌کننده دارد. بنابراین در ترجمه فعل‌های مضارعی که به «لم» و «لما» مصدر شده‌اند، باید به ترجمه نمود این افعال دقت داشت.

در این مقاله بازتاب نمود «لم» و «لما» در چهار ترجمه روسی قرآن کریم مورد مطالعه قرار گرفته است. در گام نخست معنای «لم» و «لما» در زبان عربی مورد بررسی قرار گرفته و ابزار بیان هریک از این معانی در زبان روسی ارائه شده است. در ادامه نیز بررسی تطبیقی نمود برآمده از (لم و لما + فعل مضارع) در ترجمه‌های روسی صورت گرفت تا مشخص شود که چهار مترجم روسی قرآن کریم تا چه حدی در انتقال نمود این ترکیب موفق بوده‌اند. همچنین برای روشن شدن مفهوم صحیح آیه، ترجمه‌ای پیشنهادی ارائه شده است.

۲. پیشینه پژوهش

«لم» و «لما» تاکنون متعلق بسیاری از پژوهش‌ها بوده است و بسیاری از ادب‌پژوهان نسبت به جایگاه این دو حرف تحقیقاتی را انجام داده‌اند. توجه به ابعاد مختلف معنایی این حروف از آن جهت اهمیت دارد که فهم مخاطب نسبت به متن در بسیاری از موارد وابسته به درک درست نمود آنها است. تحقیقات انجام‌گرفته در این باب به دو دسته تقسیم‌پذیر است.

دسته اول تحقیقاتی است که در باب معنای «لم» و «لما» انجام شده است که نحویون از گذشته تاکنون بحث‌های گوناگونی را پیرامون معنای این حروف مطرح کرده‌اند. ازجمله سیبویه که در «الکتاب» به این موضوع توجه داشته است (نک: سیبویه، الکتاب، بی‌تا: ۵۳۷/۱). همچنین ادیبان بزرگی مانند ابن‌هشام در آثار مختلف خود به پیرامون این دو حرف سخن گفته‌اند (ابن‌هشام، شرح شذور الذهب، ۱۳۸۴: ۴۶؛ ابن‌هشام، مغنی اللیب عن کتب الأعراب، ۱۹۸۵: ۳۶۵/۱). نحویان بزرگ دیگری مانند دسوقی نیز به صورت مفصل‌تری درباره آنها نوشته‌اند (دسوقی، حاشیه الدسوقی علی مغنی اللیب، ۲۰۰۹: ۱۵۸-۱۷۱).



دسته دوم تحقیقات مربوط به نمود است. در میان معاصران عرب دکتر محمدحسن القوافزة در مقاله «الزمن الماضي في اللغة العربية دراسة لسانيه» (القوافزة، الزمن الماضي في اللغة العربية، ۱۴۳۳: ۹۱-۱۴۳)، به توضیح نمود افعال در زبان عربی پرداخته است و در آن میان کوشیده تا نمودهای مختلف «لم» و «لما» را مشخص کند. فرهاد رجبی‌نوشابادی، محمد جرفی، قاسم مختاری، سیدابوالفضل سجادی و محمود شهبازی نیز در مقاله‌ای با نام «کاربردهای فعل ماضی در دستور عربی و فارسی با رویکردی به آیات قرآن» به کارکرد فعل ماضی در زبان عربی از حیث نمود پرداخته‌اند (رجبی و دیگران، «کاربردهای فعل ماضی در دستور عربی و فارسی با رویکردی به آیات قرآن»، ۱۳۹۸: ۱۸۱). همچنین حمداوی در مقاله‌ای با عنوان «الجهة في اللغة العربية» سعی نموده تا تفاوت نمود با زمان را مشخص کند (حمداوی، الجهة في اللغة العربية، ۲۰۲۰: ۱۵۲-۱۷۴). در زبان روسی نیز بسیاری از زبان‌شناسان روس چون باندارکو (۱۹۸۷)، پادوچوا (۱۹۹۶)، ماسلف (۲۰۰۴) و غیره به مسئله نمود فعل پرداخته‌اند.

تلاش برای دستیابی به پیشینه موضوع هم‌سو با نوشتار حاضر نتیجه‌ای در بر نداشت. پژوهش پیش‌رو برای نخستین بار به صورت مستقل به موضوع برابر نمود مضارع منفی به «لم» و «لما» در ترجمه روسی قرآن کریم پرداخته است. از آنجاکه رابطه صورت و معنا، رابطه‌ای یک به یک نیست، یک مفهوم ممکن است به صورت‌های مختلف بیان شود و برعکس صورت واحد می‌تواند بیانگر مفاهیم متعدد باشد، از این‌رو بررسی موضوع حاضر با چالش‌های زیادی همراه است. یکی از چالش‌های پیش‌رو تبیین ماهیت پیچیده نمود فعل، ارتباط آن با زمان، عدم تطابق صوری و معنایی آن است که دست‌نویسان نیز نظرات متفاوتی درباره مفهوم نمود و انواع آن ارائه داده‌اند.

۳. نمود فعلی

فعل به کلمه‌ای اطلاق می‌شود که به بیان کار یا حالتی در یکی از زمان‌های سه‌گانه دلالت داشته باشد (ناتل‌خانلری، دستور زبان فارسی، ۱۳۸۸: ۲۰)؛ و زمان یکی از ویژگی‌های فعل است؛ زیرا فعل در یکی از زمان‌های گذشته، حال و یا آینده رخ می‌دهد (فرشیدور، دستور مفصل امروز، ۱۳۸۸: ۳۷۹). نمود یکی از مقولات دستوری است که در ساختار فعل متبلور می‌شود. به‌طورکلی نمود هر فعل در واقع بازتاب میزان تداوم رخداد فعل در محور زمان است. هم زمان دستوری و هم نمود ویژگی‌های زمانی هر رخداد را کدگذاری می‌کنند. در مطالعات سنتی تمایزی بین آن‌ها قائل نشده‌اند. باید توجه داشت که زمان دستوری جایگاه وقوع فعل را در یک برش سه شقی (گذشته، حال، آینده) مشخص می‌سازد، در حالی که نمود هر فعل نحوه تحقق رخداد فعل در درون هر یک از زمان‌های مورد اشاره را منعکس می‌کند (گلفام، اصول دستور زبان، ۱۳۹۰: ۷۰-۷۴).

از دیدگاه مشکوةالدینی فعل مشخصه‌های نحوی ویژه‌ای دارد. یکی از این مشخصه‌ها که به چگونگی به انجام رسیدن فعل از لحاظ وقوع ساده، پیشرفتی (استمراری) و یا پایان یافتن آن مربوط است، نمود گفته می‌شود. از این رو سه مشخصه نمود وجود دارد: ساده، استمراری و کامل. او برای ماضی ساده، نمود ساده، برای ماضی استمراری و مستمر، نمود استمراری و برای ماضی نقلی و بعید نمود کامل قائل است (مشکوةالدینی، دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری، ۱۳۸۷: ۷۷-۷۸)؛ بنابراین وی نمود را برای تمام افعال ماضی، مضارع و مستقبل در نظر نمی‌گیرد.

برخی دیگر از محققان چون شوپن نمود را الگوی تقسیم عمل فعل در بعد زمان می‌داند: در این صورت عمل فعل اشاره به وضعیت ایستا، ادامه حالت فعل، حرکت یا تغییر فعل دارد (Shopen, ۱۹۸۵, p.۷۷, Language Typology and Syntactic Description).

فرشیدورد ویژگی‌های فعل را از لحاظ دلالتش بر آغاز و دوام و پایان و کمال و نقص وقوع آن و از نظر ارتباطش با زمان معین، نمود یا حد آن می‌داند (فرشیدورد، دستور مفصل امروز، ۱۳۸۸: ۳۷۹)؛ و فعل را از لحاظ نمود به پنج دسته تقسیم می‌کند:

۱. مبهم یا مطلق: در آن درجه نقص و کمال و آغاز و پایان آن فعل درست معین نیست، مانند رفت، می‌رود و خواهد رفت.

۲. استمراری یا تمام: فعلی است که در زمانی معین تمام نشده است؛ مانند دیشب ساعت ۸ غذا می‌خورد، حالا دارد می‌نویسد.

۳. کامل: فعل در زمانی معین تمام شده است؛ مانند وقتی تو آمدی من رفته بودم. هوشنگ حالا رسیده است.

۴. نیمه کامل: که حداثی بین ناتمام و کامل قرار دارد؛ مانند دیشب ساعت ۸ می‌رفته است.

۵. آغازی: یعنی نمودی که بر شروع فعل دلالت می‌کند؛ مانند او شروع کرد به گریه کردن.

برای درک بهتر ماهیت پیچیده نمود فعل و ارتباط آن با زمان به تفاوت نمود دستوری و واژگانی می‌پردازیم. نمود دستوری نشانه‌ای تصریفی در ساختمان فعل دارد که نشان‌دهنده نمود خاص آن است. برخی از نشانه‌های لفظی فعل عبارتند از: علامت «تکواژ صفر» مانند «علی در را کوید و رفت» برای نمود دستوری کامل؛ علامت تصریفی «داشتن + می» مانند «دارم می‌خوانم» برای نمود دستوری ناقص مستمر؛ علامت تصریفی «می» مانند «من آب می‌خورم» برای نمود دستوری ناقص غیرمستمر؛ علامت تصریفی «ب» مانند «بروم» برای نمود دستوری نامعین و علامت «صفت مفعولی فعل + «بودن»» مانند «حسن رفته است» برای نمود تام (نک: ابوالحسنی، «انواع نمود واژگانی در افعال فارسی»، ۱۳۹۰: ۱۰۴) خاطر نشان می‌گردد در زبان فارسی از نظر صوری، مفاهیم نمودی استمراری، عادی، تکراری و تدریجی تفاوتی با هم ندارند و هر سه با پیشوند فعلی «می» ساخته می‌شوند.



بدین ترتیب نمود را می‌توان ناظر بر ساختار درونی زمان در یک موقعیت دانست و تقابل نمود کامل (تام) و ناکامل (ناقص) همیشه مورد توجه اکثر زبان‌ها بوده است. نمود کامل به کامل شدن عمل فعل و نمود ناکامل (ناقص) به امتداد عمل فعل بدون مشخص کردن پایان آن اشاره دارد. از دیگر نمودها می‌توان به نمود آغازی (ناظر بر شروع رویداد)، نمود تقریب (ناظر بر عملی است که در شرف وقوع است یا در شرف وقوع بوده است، ولی اتفاق نیفتاده است) و نمود تکرار شونده (رویدادی را نشان می‌دهد که به‌طور منظم تکرار می‌شود) اشاره کرد که به لحاظ صوری با امکانات دستوری مختلف بیان می‌شوند.

همان‌طور که گفته شد ماضی نقلی یکی از ابزارهای بیان نمود تام است که از لحاظ ساختاری «از صفت مفعولی فعل اصلی (بن ماضی به اضافه «ه») و فعل‌های کمکی (ام، ای، است، ایم، اید، اند) ساخته می‌شود» (انوری و احمدی، دستور زبان فارسی ۲، ۱۳۸۵: ۴۹). به عنوان مثال: «علی به بازار رفته است» که فعل «رفته» از بن ماضی «رفت» به علاوه «ه» و فعل کمکی «است» ساختار دستوری ماضی نقلی را تشکیل داده‌اند؛ اما از نظر معنایی ماضی نقلی کاربردهای معنایی گوناگونی را در بر می‌گیرد که به شرح زیر است:

۱. تداوم و ثبوت: به این معنا که کار یا حالت از گذشته تا حال ادامه داشته باشد؛ به عنوان مثال «همه بچه‌ها خوابیده‌اند».

۲. حدوث و اتمام: به این معنا که ممکن است فعل در گذشته رخ داده باشد؛ اما اثر آن تا زمان حال هم باقی باشد؛ به عنوان مثال «من غزل‌های حافظ را خوانده‌ام».

۳. به مفهوم آینده: به این معنا که فعل پیش از زمانی معین در آینده آغاز می‌شود و آن زمان پایان می‌یابد؛ به عنوان مثال «ماه آینده در چنین روزی در قطار نشسته‌ام» (نک: فرشیدور، دستور مفصل امروز، ۱۳۸۸: ۴۰۰؛ نوپهار، ۱۳۸۹: ۱۹۰).

بدین ترتیب نمود دستوری امری صوری است که تظاهر آن به کمک عناصر تصریفی و یا فعل‌های کمکی است. نمود واژگانی از معنای فعل برداشت می‌شود و مفاهیمی از قبیل لحظه‌ای یا تداومی بودن و آغازی یا پایانی بودن را در بردارد.

یک. نمود فعل در زبان عربی

نمود فعل (که در زبان عربی جهت نام دارد)، به آن ویژگی از فعل گفته می‌شود که علی‌رغم ارتباط تنگاتنگ با زمان نحوی فعل، تفاوت‌های زیادی با آن دارد؛ زیرا زمان نحوی، حد و مرز بیرونی وقوع فعل را در یکی از زمان‌های گذشته، حال و یا آینده مشخص می‌کند؛ اما نمود آن ویژگی مختص به مصدر فعل (حدث) است که معنای فعل را تبیین می‌کند و نشان می‌دهد حدث آنی است یا تکراری،

مستمر است یا آغازین، متصل است یا منقطع، محدود است یا نامحدود، کامل است یا ناکامل (حمداوی، الجهة فی اللغة العربية، ۲۰۲۰: ۱۵۲). بدین ترتیب زمان نحوی، مفهوم فعل را به گذشته، حال و آینده منحصر می‌کند؛ اما نمود مفهومی است که چگونگی وقوع مصدر و تحول زمانی آن را می‌رساند. به‌عنوان مثال دو فعل «لم یفعل» و «لما یفعل» از جهتی بیان‌کننده زمان وقوع فعل است و از جهتی نحوه وقوع فعل در زمان (نمود فعل) را بیان می‌کند.

از سوی دیگر زمان بر حدوث فعل در مفهوم عام دلالت دارد؛ اما نمود به نوعی تخصیص و تقید این معنای عام است. به‌عنوان مثال «ذهب» مفهوم عامی است که به‌طور عام زمان گذشته را شامل می‌شود؛ اما «لم یذهب» این مفهوم عام را تخصیص زده است. به عبارت دیگر نمود، تخصیص دلالت زمان فعل است.

دو. نمود فعل در زبان روسی

در زبان روسی فعل دارای دو نمود کامل (совершенный) و ناکامل (несовершенный) است. از نظر ویناگرادف (V.V. Vinogradov) افعال در زبان روسی دو مفهوم نمودی را در بر می‌گیرند یا بر عملی کامل و مقید به بازه زمانی دلالت دارند و یا بر عملی ناقص و نامقید به بازه زمانی دلالت می‌کنند (віноградов, Русский язык, ۱۹۸۶, p.۴۰۹).

تنها با استفاده از هریک از دو نمود کامل و یا ناکامل می‌توان مراحل مختلف انجام یک عمل؛ مانند آغاز، ادامه، پایان و نیز تکرار، جریان، نتیجه و دیگر جنبه‌های مختلف اجرای آن را توصیف کرد. ابزارهای بیان نمود در زبان روسی اغلب پیشوندها و پسوندها مانند ... написать, решить است (Захраи, Сидорова, Вид глагола: правила и употребление, ۲۰۰۹, p.۱۴). روند برابر یابی فعل روسی در زبان فارسی به سبب رابطه دو بر یک میان صورت‌های یک فعل در زبان روسی و فارسی (به‌جز مورد گذشته)، به‌طور مستقیم، یعنی بدون استفاده از مفاهیم کاربردی، امکان‌پذیر است؛ زیرا مفاهیم کاربردی یک فعل مشخص را که در زبان روسی از طریق دو صورت کامل و ناکامل بیان می‌شوند در فارسی تنها می‌توان در غالب یک صورت فعل بیان کرد. در روند برابر یابی فعل‌های زمان گذشته روسی، در زبان فارسی، مفاهیم کاربردی افعال نقش اصلی را بر عهده دارند؛ زیرا در مقابل دو صورت فعل گذشته روسی، چندین گونه فعل ماضی (استمراری، ساده، نقلی، بعید، ملموس و ...) در زبان فارسی وجود دارد. در نتیجه، میان صورت‌های فعل زمان گذشته در زبان روسی و فارسی، رابطه دو بر چند برقرار می‌شود. به‌عنوان مثال معادل فعل دیدن در جملات «من هر شب تلویزیون می‌دیدم»، «وقتی به خانه برگشت من داشتم تلویزیون می‌دیدم»، «من این فیلم را دیده‌ام»، «من قبلاً این فیلم را دیده بودم و به همین دلیل پایانش را می‌دانستم» نمود ناکامل смотрел است.



بنابراین برای یافتن فعل برابر به‌ویژه در زبان گذشته لازم است، ابتدا نوع اطلاعاتی را که فعل فارسی در قالب جمله بیان می‌کند مشخص کرده و سپس معادل آن مفهوم را در میان مفاهیم کاربردی فعل‌های کامل و ناکامل روسی شناسایی کنیم.

مفاهیم کاربردی نمود ناکامل در زبان روسی عبارتند از: ۱. تأیید عمل و تأکید بر وقوع آن، ۲. نام عمل، ۳. تکرار عمل، ۴. تداوم عمل، ۵. ناپایداری نتیجه عمل در زمان گفتار، ۶. نفی وقوع عمل. مفاهیم کاربردی نمود کامل در زبان روسی عبارتند از: ۱. انجام قطعی عمل، ۲. پایان و نتیجه عمل، ۳. ارزیابی نتیجه عمل، ۴. پایداری نتیجه عمل در زمان گفتار، ۵. تداوم حالت و احساس به‌وجودآمده از لحظه شروع تا زمان گفتار، ۶. یک‌بار انجام عمل، ۷. تکرار عمل بدون فاصله زمانی بین دفعات تکرار، ۸. توالی دو عمل، ۹. انجام یک عمل در جریان عمل دیگر، ۱۰. نفی نتیجه عمل.

سه. وجوه مختلف معنایی «لم» و «لما» نافیه در زبان عربی و ابزارهای بیان آن در زبان روسی

«لم» و «لما» برای منفی کردن معنای مضارع به ماضی به کار می‌رود. این دو حرف علاوه بر جازمه کردن فعل مضارع، معنای آن را به ماضی منتقل می‌کنند (ابن هشام، شرح شذور الذهب فی معرفة کلام العرب، ۱۳۸۴: ۴۷). البته هریک از این دو حرف نحوه وقوع فعل را در زمان نشان می‌دهد. حرف «لم» و «لما» دارای جهات زیر است:

الف) نمود «لم»

نمود «لم» را می‌توان به کمک مضارع منفی ساده، ماضی نقلی در حالت نفی مطلق گذشته و نفی گذشته متوقع الوقوع، نفی ماضی استمراری، نفی مطلق زمان در زبان فارسی و ادات نفی He و فعل ناکامل گذشته در زبان روسی بیان کرد.

۱. مضارع منفی ساده

زمانی «لم» معنای مضارع را به ماضی تبدیل می‌کند که پیش از آن، ادوات شرط قرار نگرفته باشد چرا که اگر پیش از «لم» یکی از ادوات شرط واقع گردد، معنای آن را مختص به مضارع می‌کند (حسن، النحو الوافی مع ربطه بالأسالیب الرفیعة و الحیة اللغویة المتجددة، ۱۳۶۷: ۴/۴۱۴). به‌عنوان مثال آیه Π $\text{اَوْ اِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتِهِ}$ (مائده/ ۶۷) را نمی‌توان به این صورت ترجمه کرد «اگر چنین نکرده‌ای امر رسالت خود را ادا نکرده‌ای»؛ چرا که در این آیه حرف «لم» با حرف شرط «ان» تلاقی کرده است و ترجمه آن باید به صورت مضارع منفی باشد «اگر چنین نکنی، رسالت خود را به‌جا نیاورده‌ای».

در زبان روسی مضارع منفی ساده به کمک ادات نفی не و فعل ناکامل ساخته می شود؛ مانند OH не читает книгу. او کتاب نمی خواند. در ساختار شرطی واقعی، اغلب از زمان آینده نمود کامل استفاده می شود.

۲. ماضی نقلی (نفی مطلق گذشته)

از نظر معنایی «لم» گذشته را به صورت مطلق نفی می کند که گاه این نفی متصل به حال و گاهی نیز از زمان حال منقطع است (ابن هشام، مغنی اللیب عن کتب الأعاریب، ۱۹۸۵: ۲۶۷-۲۶۸). به دلیل وجود چنین ویژگی (نفی مطلق گذشته)، جمله منفی به «لم» این قابلیت را دارد که با ظرف زمان «قَطَّ» همراه گردد (القواقره، الزمن الماضي ف اللغة العربیة، ۱۴۳۳: ۳۳؛ برای نمونه: نک: مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۲۷۵/۱؛ فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۳۹۲/۱). البته باید توجه داشت که لزومی ندارد «قَطَّ» در جمله حاضر باشد؛ بلکه در ترجمه این گونه از ماضی می توان آن را لحاظ کرد. به عنوان مثال در ترجمه آیه $\text{وَلَمْ يُمْسَسْنِي بَشَرٌ}$ (آل عمران/ ۴۷) که به طور مطلق، گذشته نفی شده است می توان از این ویژگی بهره جست و معنای «هرگز» یا «هیچ گاه» را در ترجمه لحاظ کرد. «هرگز بشری مرا لمس نکرده است». همچنین در ترجمه آیه $\text{وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا}$ (مریم/ ۴) این قاعده در بسیاری از ترجمه های فارسی کهن و معاصر قرآن رعایت شده است. به عنوان مثال نسفی آیه را این گونه معنا کرده است: «و نبوده ام هرگز به خواندن تو ای پروردگار من رنجور» (نسفی، تفسیر نسفی، ۱۳۷۶: ۵۷۳/۱). یا در ترجمه آیتی آمده است «و هرگز در دعا به درگاه تو، ای پروردگار من، بی بهره نبوده ام» (آیتی، ترجمه قرآن، ۱۳۷۴: ۳۰۵/۱). همچنین در این نوع ترجمه از ماضی نقلی، باید این نکته مورد توجه قرار گیرد که معنای نفی از گذشته تاکنون ادامه دارد؛ یعنی نفی مطلق گذشته، تنها برای زمان دور نبوده و تا حال ادامه دارد. این گونه از نفی را «نفی متصل به حال» می نامند (نک: دسوقی، حاشیه الدسوقی علی مغنی اللیب، ۲۰۰۹: ۱۶۲)؛ اما در آیه ای مانند $\text{هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا}$ (الانسان/ ۱)؛ نفی در گذشته قطع شده و تا زمان حال امتداد پیدا نکرده است (ناظر الجیش، شرح التسهیل المسمی تمهید القواعد بشرح تسهیل الفوائد، بی تا: ۴۳۱۲)

در زبان روسی نفی عملی که فاعل به طور کلی به آن نپرداخته است به کمک ادات نفی не و فعل ناکامل در زمان گذشته بیان می شود؛ مانند: об этом я никому ничего не говорил. «در این مورد من به کسی چیزی نگفتم».



۳. ماضی نقلی (نفی گذشته متوقع الوقوع)

«لم» در غالب موارد تنها معنای مضارع را به ماضی منفی ساده تبدیل می‌کند و به همین دلیل است که «لم» را نفی «فَعَلَ» می‌دانند که معنای فعل را در زمان گذشته نفی می‌کند، برخلاف «لما» که منفی «قَدْ فَعَلَ» است و نفی فعل تا زمان حال امتداد دارد (نک: سیبویه، الکتاب، بی تا: ۵۳۷/۱). به همین دلیل در فعل منفی به «لم» نمی‌توان انتظار تحقق فعل در آینده را داشت؛ اما توقع وقوع آن در گذشته وجود دارد، برخلاف «لما» که احتمال گذشته و آینده در آن انتظار می‌رود (د سوقي، حاشیه الد سوقي علی مغنی اللیب، ۲۰۰۹: ۱۶۴؛ مدنی، ۱۳۹۴: ۶۷۶). به عنوان مثال در جمله «قَمْتُ و لم تقم» «من برخاستم؛ اما تو برخاستی» متکلم از مخاطب خود انتظار برخاستن داشت که توقع متکلم در زمان گذشته را می‌رساند (نک: صبان، حاشیه الصبان علی شرح الأشمونی علی ألفیه ابن مالک، ۱۴۳۰: ۴/۱۰؛ حسن، النحو الوافی مع ربطه بالأسالیب الرفیعة و الحیاة اللغویة المتجددة، ۱۳۶۷: ۳۹۳/۴). گاهی نیز «لم» برای نفی گذشته نزدیک به کار می‌رود که در این هنگام با ظرف زمان «بعد» همراه است (نک: معروف، فن ترجمه: اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و فارسی به عربی، ۱۳۹۳: ۱۶۰؛ فقهی‌زاده، کارگاه روش ترجمه عربی - فارسی؛ فارسی - عربی، ۱۳۹۲: ۹). در این نوع ترکیب «لم» امری متوقع و محقق الوقوع را نفی می‌کند که در ترجمه فارسی برای آن از معادل «هنوز» استفاده می‌شود؛ یعنی کاری که تا زمان حال انجام نشده؛ اما توقع وقوع آن وجود دارد. به عبارت دیگر این انتظار وجود دارد که نفی ازاله شود و فعل دارای معنای ایجاب گردد. به عنوان مثال، جمله «لم یذهب بعد» باید به صورت امری متوقع ترجمه شود «او هنوز نرفته است»؛ یعنی انتظار می‌رود به زودی برود. در اینجا «لم» و «لما» معنای مشترکی را انتقال می‌دهند یعنی «لم یذهب بعد» مساوی با «لما یذهب» است؛ چرا که در «لما» نیز در غالب موارد توقع وقوع در آینده وجود دارد (صبان، حاشیه الصبان علی شرح الأشمونی علی ألفیه ابن مالک، ۱۴۳۰: ۱۰). البته گاهی نیز بدون آنکه ظرف زمان «بعد» در جمله وجود داشته باشد ترکیب «لم و فعل مضارع» این توقع را می‌رساند که در این گونه موارد سیاق کلام، خود بیان کننده توقع است و در ترجمه از کلمه «هنوز» استفاده می‌شود. این قسم از معنای «لم» چندان مورد توجه نحویون نبوده گرچه در بسیاری از تفسیرهای عربی و ترجمه‌های فارسی قرآن بدان توجه شده است.

به عنوان مثال ترجمه‌های گوناگونی از آیه ۱۱ وَ نَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَ هُمْ يَطْمَعُونَ (اعراف/ ۴۶) ارائه شده است. نسفی آیه را به این صورت ترجمه کرده است «هنوز در نیامده باشند در بهشت اصحاب اعراف و ایشانند امید بهشت دارندگان» (نسفی، تفسیر نسفی، ۱۳۷۶: ۱/).

۲۹۸). از نظر وی این آیه قید توقع را در بر می گیرد. همچنین ابوالفتح رازی در ترجمه این آیه در تفسیر خویش می نویسد: «و اینان هنوز در بهشت نشده باشند» (رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۸: ۸/ ۲۰۷). مترجمان دیگری نیز به این امر ملتفت بوده و معنای توقع را در ترجمه آیه به کار بسته اند (نک: دهلوی، ترجمه قرآن بی تا: ۱/ ۳۲۹؛ آیتی، ترجمه قرآن، ۱۳۷۴: ۱/ ۱۵۶؛ صادقی تهرانی، ترجمان فرقان، ۱۳۸۸: ۲/ ۱۹۹).

همین درک از آیه در تفاسیر عربی قرآن نیز دیده می شود. در بسیاری از این تفاسیر برای رساندن معنای درست آیه از ظرف زمان «بعد» (لَمْ يَدْخُلُوهَا بَعْد) استفاده شده است تا نشان دهند که معنای توقع از آیه برداشت می شود. به عنوان مثال طبری در تفسیر این آیه به عنوان یکی از اقوال مقبول از قول عده ای می نویسد: «... اصحاب اعراف پیش از آنکه وارد بهشت شوند به بهشتیان می گویند: سلام علیکم و اهل بهشت طمع این را دارند که آنها وارد بهشت شوند و این در حالی است که آنها هنوز وارد بهشت نشده اند» (طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۸/ ۴۱؛ و نک: ابن حموش، الهدایة إلى بلوغ النهاية، ۱۴۲۹: ۴/ ۲۳۸۴). همچنین نحاس در شرح این آیه به عنوان تنها تفسیر مقبول در نزد خویش می نویسد: «یعنی اصحاب اعراف هنوز وارد بهشت نشده اند ... درحالی که آنها می دانند که وارد آن خواهند شد» (نحاس، اعراب القرآن، ۱۴۲۱: ۲/ ۵۴). در دیدگاه نحاس سیاق این آیه می فهماند که اهل اعراف خود می دانستند که به زودی وارد بهشت خواهند شد؛ یعنی چنین توقعی در آنها وجود داشته است. دیگران نیز همین معنا را از صحابه و تابعیان نقل کرده اند (ابن حموش، الهدایة إلى بلوغ النهاية، ۱۴۲۳: ۲۷۸). طبرسی قول اخیر را از ابن مسعود، حسن و قتاده نقل کرده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۴/ ۶۵۳). در میان معاصران نیز بسیاری به همین مفهوم توجه نشان داده اند (نک: زحیلی، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، ۱۴۱۱: ۸/ ۲۱۸؛ طباطبائی، المیزان، ۱۳۹۰: ۸/ ۱۲۹). بنابراین در مواردی «لم» بدون آنکه با «بعد» قرین باشد، معنای توقع امری محقق الوقوع در آینده را می رساند.

در زبان روسی نفی عملی که فاعل هنوز آن را شروع نکرده است، ولی انتظار می رود در آینده ای نزدیک به آن پردازد به کمک ادات نفی не و فعل ناکامل در زمان گذشته ساخته می شود. Эта статья я еще не читал. من این مقاله را هنوز نخوانده ام.

۴. منفی ماضی استمراری

در پاره ای از اوقات ترکیب «لم یکن یفعل» یا «لم یکن فاعل» به معنای ماضی استمراری منفی است (القوازه، الزمن الماضي ف اللغة العربیة، ۱۴۳۳: ۳۳)؛ مانند ПОНАДТО́К А́Н Лَمْ یَکُنْ رَبُّکَ مُهْلَکَ الْقَرْیِ بِظُلْمٍ وَ أَهْلُهَا غَافِلُونَ (انعام/ ۱۳۱) «و این بدان سبب است که پروردگار تو مردم هیچ قریه ای را که بی خبر



بودند از روی ستم هلاک نمی کرد» (آیتی، ترجمه قرآن، ۱۳۷۴: ۱/ ۱۴۴). در این آیه اسم فاعل «مهلک» و فعل «یکن» مسبوق به حرف «لم» هستند و به همین علت ترجمه به صورت ماضی منفی استمراری آمده است.

در زبان روسی نفی عملی که در مدت طولانی صورت نگرفته و یا استمرار داشته است به کمک ادات نفی не و فعل ناکامل در زمان گذشته بیان می شود؛ مانند: Он болел и не ходил на работу. مریض بود و به سر کار نمی رفت.

۵. نفی مطلق زمان

گاهی نیز «لم» مطلق زمان را نفی می کند و به هیچ یک از زمان های ماضی، حال و آینده اختصاص ندارد (القواقره، الزمن الماضي ف اللغة العربية، ۱۴۳۳: ۳۳)؛ مانند «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ» (اخلاص/ ۳). گرچه این آیه به صورت ماضی نقلی متصل به حال ترجمه می شود (حسن، النحو الوافی مع ربطه بالأساليب الرفیعة و الحياة اللغویة المتجددة، ۱۳۶۷: ۴/ ۴۱۶)؛ اما به دلیل وجود امر عقلی خارج از متن، تمام زمان های سه گانه، مورد نفی قرار گرفته است. بنابراین در ترجمه این متن و مانند آن باید از حوزه استدلال های زبانی و دستوری خارج شده و به شواهد عقلی نظر داشت.

ب) نمود «لما»

اما «لما» مفهوم مضارع را به ماضی نقلی منتقل می کند و معنای منفی فعل را تا زمان حال امتداد می دهد. در واقع این حرف برای نفی گذشته و حال به صورت همزمان است. از ویژگی های دیگر این حرف آن است که در اکثر موارد در آن معنای توقع وجود دارد (رضی الدین استرآبادی، شرح الرضی علی الکافیة، ۱۳۸۴: ۸۲)؛ که در ترجمه فارسی آن از کلمه «هنوز» استفاده می شود؛ به عبارت دیگر «لما» برای نفی ماضی قریب الوقوع است. به عنوان مثال II أو آخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ یعنی «و بر گروهی دیگر از ایشان که هنوز به آنها نپیوسته اند و اوست پیروزمند و حکیم» (آیتی، ترجمه قرآن، ۱۳۷۴: ۱/ ۵۵۳)؛ و گاهی نیز امری غیر متوقع را نفی می کند، مانند «ندم فلان و لما ینفعه الندم» (رضی الدین استرآبادی، شرح الرضی علی الکافیة، ۱۳۸۴: ۸۲).

۴. بررسی آیات

بازتاب نمود «لم» و «لما» در چهار ترجمه روسی قرآن کریم از عثمانف، کولیف، پراخووا، کراچکوفسکی به صورت زیر مورد بررسی قرار می گیرد.

یک) مضارع منفی به «لم»

اول. مضارع منفی ساده

وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ (مائده: ۶۷)

الف. عثمانف

Если ты не сделаешь этого, то ты [тем самым] не передашь [людям] Его послания, ...

اگر تو این کار را نکنی (در واقع) پیام او را (به مردم) نرسانده‌ای.

ب. کولیف

Если ты не сделаешь этого, то не донесешь Его послания...

اگر تو این کار را نکنی، پیام او را را نرسانده‌ای.

ج. پراخووا

А коль не сделаешь ты это - (то ты) Не передашь Господнего послания (И тем - не выполнишь ты миссии своей)...

اگر تو این کار را نکنی، (در آن صورت تو) پیام خداوند را نرسانده‌ای (در واقع تو ماموریت خود را انجام نداده‌ای).

د. کراچکوفسکی

А если ты этого не сделаешь, то ты не передашь Его послания...

اگر تو این کار را نکنی، تو پیام او را نرسانده‌ای.

آیه	فعل	مترجم	نمود	ترجمه پیشنهادی
وَنَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا (مائده / ۶۷)	لَمْ يَدْخُلُوهَا	عثمانف	не передашь نرسانده‌ای	не передашь
		کولیف	не донесешь نرسانده‌ای	
		پراخووا	не передашь نرسانده‌ای	
		کراچکوفسکی	не передашь نرسانده‌ای	



هر چهار مترجم با توجه به ساختار شرط واقعی آیه در ترجمه، از نفی نمود کامل در زمان آینده استفاده کرده‌اند. بنابراین ترجمه پیشنهادی به ترجمه‌های ارائه شده نزدیک است.

А если ты не сделаешь этого, то (ты) не передашь Его послания...

دوم. منفی ماضی نقلی

Π وَ لَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا (مریم / ۴)

الف. عثمانف

А помню, раньше мольбы мои к Тебе, Господи, не оставались без ответа.

و به یاد می‌آورم، قبلاً درخواست‌های من از تو، ای پروردگار، بی‌جواب نمانده‌اند.

ب. کولیف

А ведь раньше благодаря молитвам к Тебе, Господи, я не был несчастен.

و قبلاً به یمن دعاها به سوی تو، ای پروردگار، بدبخت نبوده‌ام.

ج. پراخووا

Но я в своих молитвах, Господи, к Тебе, Не оставался никогда Лишенным твоего благоволения.

اما من در دعاهایم، ای پروردگار، به سوی تو، هرگز محروم از لطف تو نمانده‌ام.

د. کراچکوفسکی

А я не был в воззваниях к Тебе, Господи, несчастным.

و من در درخواستم به تو ای پروردگار بدبخت نبوده‌ام.

آیه	فعل	مترجم	نمود	ترجمه پیشنهادی
وَ لَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا (مریم / ۴)	لَمْ أَكُنْ	عثمانف	не оставались نمانده‌اند	не был
		کولیف	не был نبوده‌ام	
		پراخووا	Не оставался نمانده‌ام	
		کراچکوفسکی	не был نبوده‌ام	

فعل «بودن» یکی از مهمترین و پرکاربردترین امکانات دستوری - تحلیلی برای بیان نمود ناقص و نمود کامل است. فعل معین «بودن» دارای صورت‌های واژه‌بستی است. کاربرد این فعل در نقش نمود ناقص در ماضی نقلی است. در این ساخت، فعل معین معمولاً زمانی نقش نمود ناقص را برعهده دارد که فعل اصلی از نوع حالتی باشد؛ زیرا در این حالت عمل فعل به انتها نمی‌رسد. (نک: لازار، دستور زبان فارسی معاصر، ۱۳۸۹: ۱۶۷؛ نغزگوی کهن، افعال معین و نمایش نمود در زبان فارسی، ۱۳۸۹: ۱۰۰) بنابراین با توجه به مفهوم «لم» در این آیه که نفی مطلق گذشته است و تا حال ادامه دارد، بهتر است نفی فعل «بودن» و قید «هرگز» در ترجمه لحاظ شود. در ترجمه، عثمانف و پراخووا از نفی فعل ناکامل «ماندن» و قید «هرگز» استفاده کرده‌اند؛ اما کولیف و کراچوفسکی از قید هرگز استفاده نکرده و به نفی فعل کمکی «بودن» بسنده نمودند.

Но я в своих молитвах, Господи, к Тебе, никогда не был разочарован.

سوم. منفی ماضی نقلی متوقع

وَ نَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَ هُمْ يَطْمَعُونَ (اعراف: ۴۶)
الف. عثمانف

И эти люди воззовут к обитателям рая: «Да будет вам мир!» Сами они не войдут в рай, хотя и жаждут того.

این مردم به بهشتیان ندا می‌دهند «درود بر شما باد» آنان خود وارد بهشت نخواهند شد اگر چه بسیار به آن مشتاق هستند.

ب. کولیف

Они воззовут к обитателям Рая: «Мир вам!» Они пока не войдут в Рай, хотя будут желать этого.

آنان به بهشتیان ندا می‌دهند «سلام بر شما». آنان هنوز نمی‌توانند وارد بهشت شوند، اگر چه به آن مشتاق هستند.

ج. پراخووا

И воззовут они к таким, кто в Рай (назначен): «Мир вам!» — хоть они сами не вошли еще в него, Но все же тешатся надеждою об этом.

و آنها به کسانی که بهشت (برایشان تعیین شده) ندا می‌دهند: «سلام بر شما». اگر چه آنها هنوز خود وارد آن نشده‌اند هرچند به آن امید دارند.



د. کراچکوفسکی

И воззовут к обитателям Рая: "Мир вам!" - те, которые не вошли в него, хотя и желали.

و به بهشتیان ندا دادند: «سلام بر شما». آنهایی که هنوز وارد آن نشده‌اند؛ اما مشتاق بودند.

آیه	فعل	مترجم	نمود	ترجمه پیشنهادی
وَ نَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوها وَ هُمْ يَطْمَعُونَ (اعراف / ۴۶)	لَمْ يَدْخُلُوها	عثمانف	не войдут وارد بهشت نخواهند شد	не вошли
		کولیف	не войдут هنوز نمی‌توانند وارد بهشت شوند	
		پراخووا	не вошли هنوز خود وارد آن نشده‌اند	
		کراچکوفسکی	не вошли هنوز وارد آن نشده‌اند	

در ترجمه عثمانف و کولیف از نفی نمود کامل استفاده شده که در زمان آینده به معنای نفی نتیجه عمل به سبب ناتوانی فاعل است. حال آنکه در آیه به نفی عمل متوقع اشاره شده است. با این توصیف ترجمه پراخووا و کراچکوفسکی به آیه نزدیک‌تر است.

И воззовут к обитателям Рая: "Мир вам! " они сами не вошли еще в него, хотя и жаждут того.

چهارم. منفی ماضی استمراری

«ذَلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ» (انعام / ۱۳۱)

الف. عثمانف

[Аллах направлял посланников] так [, как было сказано], потому, что твой Господь не таков, чтобы губить [целые] страны по несправедливости в то время, когда их жители не ведали [истины]

خداوند پیامبرانش را فرستاده است این (که گفته شده است) بدان سبب است که پروردگار تو آن‌گونه نیست که (تمام) سرزمین‌ها را از روی ستم نابود کند، زمانی که ساکنانشان (از حقیقت) آگاه نبوده‌اند.

ب. کولیف

Это произойдет потому, что твой Господь не губит города несправедливо, пока их жители пребывают в неведении.

این اتفاق خواهد افتاد؛ زیرا پروردگار تو شهرها را از روی ستم نابود نمی‌کند، زمانی که ساکنانش در بی‌خبری به سر می‌برند.

ج. پراخووا

Так (загодя посланники к ним слались) Все потому, что твой Господь не погубил бы за нечестие и зло ни одного людского поселения, Чьи жители в неведении были.

این (پیشتر پیامبران به سوی آنها فرستاده شده‌اند) به این سبب است که پروردگار تو حتی یک قریه را که ساکنانش مطلع نبودند، از روی ظلم و ستم نابود نمی‌کرد.

د. کراچکوفسکی

Это - потому, что Господь твой - не таков, чтобы губить селения несправедливо, когда обитатели их были в небрежении.

این بدان سبب است که پروردگار تو آن‌گونه نیست که مکانی را از روی ستم نابود کند زمانی که ساکنانش در غفلت باشند.

آیه	فعل	مترجم	نمود	ترجمه پیشنهادی
ذٰلِكَ اَنْ لَّمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَّ اَهْلُهَا غَافِلُونَ (انعام / ۱۳۱)	لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ	عثمانف	не таков, чтобы губить آن طور نیست که ... نابود کند	не погубил
		کولیف	не губит نابود نمی‌کند	
		پراخووا	не погубил نابود نمی‌کرد	
		کراچکوفسکی	не таков, чтобы губить آن‌گونه نیست که ... نابود کند	

از بین ترجمه‌های بالا ترجمه پراخووا به متن آیه نزدیک‌تر است؛ زیرا از شرط غیرواقعی در ترجمه بهره برده است، برخلاف دیگر مترجمان که از جملات التزامی و یا هم زمانی در زمان حال استفاده کرده‌اند.



Это - потому, что твой Господь - не погубил бы по несправедливости ни одного людского поселения, Чьи жители в неведении были.

دو) مضارع منفی به «لما»

اول. منفی متوقع ماضی نقلی

۱- اَمْ حَسِبْتُمْ اَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُم مَّثَلُ الَّذِيْنَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ O... (بقره/ ۲۱۴)

الف. عثمانف

Или вы полагали, что войдете в рай, не испытав подобного тому, что постигло [верующих], живших до вас?

آیا شما گمان می کردید که وارد بهشت خواهید شد، بدون آنکه مانند آنچه که بر (مومنان) پیش از شما آمده را تجربه کرده باشید.

ب. کولیف

Или вы полагали, что войдете в Рай, не испытав того, что постигло ваших предшественников?

آیا شما گمان می کردید که وارد بهشت خواهید شد، بدون آنکه آنچه بر سر پیشینیان شما آمده را تجربه کرده باشید.

ج. پراخووا

Иль думаете вы, что в Рай войдете, Не испытав того, чему подверглись те, Кто был до вас?

آیا شما می پندارید که وارد بهشت خواهید شد، درحالی که آنچه را که بر سر پیشینیان شما آمده است را تجربه نکرده اید.

د. کراچکوفسکی

Или вы думали, что войдете в рай, когда к вам еще не пришло подобное тому, что пришло к прошедшим до вас?

آیا شما می پنداشتید که وارد بهشت خواهید شد وقتی که هنوز آنچه که بر سر پیشینیان شما آمده است بر سر شما نیامده است.

آیه	فعل	مترجم	نمود	ترجمه پیشنهادی
أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُم مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ ... (بقره/ ۲۱۴)	لَمَّا يَأْتِكُمْ	عثمانف	не испытывал подобного тому, что постигло بدون آنکه ... آمده را	К Вам еще не пришло
		کولیف	не испытывал того, что постигло بدون آنکه ... آمده را	
		پراخووا	не испытывал того, что постигло آمده است را تجربه نکرده اید	
		کراچکوفسکی	еще не пришло هنوز نیامده است	

در ترجمه‌های ارائه شده به غیر از ترجمه کراچکوفسکی، از قید فعلی کامل برای ترجمه ساختار فوق استفاده شده است. کارکرد اصلی قید فعلی کامل اشاره به عملی قبل از عمل فعل اصلی است و هنگامی که با ادات نفی می آید، بدون در نظر گرفتن تقدم و یا تاخر زمانی می توان به کمک حرف اضافه «بدون» و یا «بی» و معنای لغوی قید فعلی، آن را ترجمه کرد. با توجه به اهمیت قید «هنوز» در ترجمه می توان ترجمه کراچکوفسکی از آیه فوق را مناسب تر دانست. وی با استفاده از کاربرد درست قید еще (هنوز) و نفی فعل کامل در زمان گذشته ماضی نقلی متوقع را به خوبی نشان داده است.

Или вы думали, что войдете в рай, когда к вам еще не пришло подобное тому, что пришло к прошедшим до вас?

۲. П. أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمِ الصَّابِرِينَ (آل عمران:



الف. عثمانف

Или вы полагали, что войдете в рай, а Аллах и не узнает, кто из вас радел [во имя Его] и кто был терпелив?

آیا شما پنداشتید که وارد بهشت خواهید شد، درحالی که خداوند هم نمی‌داند چه کسی از شما (در راه او) مبارزه کرده و چه کسی شکیبیا بوده است.

ب. کولیف

Или вы полагали, что войдете в Рай, пока Аллах не узнал тех из вас, кто сражался и кто был терпелив?

آیا شما پنداشتید که وارد بهشت خواهید شد تا زمانی که خداوند آنهایی از شما را که جهاد کرده‌اند و آنهایی که شکیبیا بوده‌اند را نشناخته است.

ج. پراخووا

Иль вы надеялись, что в Рай войдете, Когда Господь еще не распознал, Кто, на Его пути сражаясь, устоял?

آیا شما امید داشتید که وارد بهشت خواهید شد، زمانی که خداوند هنوز تشخیص نداده است در مبارزه در راه او چه کسی پایداری کرده؟

د. کراچکوفسکی

Или вы думали, что войдете в рай, когда Аллах еще не узнал тех, которые усердствовали из вас, и узнал терпеливых?

شما می‌پنداشتید که وارد بهشت خواهید شد، زمانی که خداوند افرادی از شما را که جهد کرده‌اند هنوز نشناخته است و شکیبایان را نیز؟

آیه	فعل	مترجم	نمود	ترجمه پیشنهادی
أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمْ يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمِ الصَّابِرِينَ (آل عمران / ۱۴۲)	لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ	عثمانف	Аллах и не узнает خداوند هم نمی‌داند	Аллах еще не узнал تا زمانی که خداوند ... نشناخته است
		کولیف	пока Аллах не узнал تا زمانی که خداوند ... نشناخته است	
		پراخووا	Господь еще не распознал خداوند هنوز تشخیص نداده است	
		کراچکوفسکی	Аллах еще не узнал خداوند هنوز نشناخته است	

در ترجمه عثمانف از نفی نمود ناکامل در زمان حال استفاده شده که معادل «لما» در آیه نمی تواند باشد. ترجمه کولیف شامل حرف ربط пока به همراه ادات نفی است و در جملاتی به کار می رود که عمل اصلی تا پیش از وقوع عمل فرعی ادامه داشته باشد؛ به عبارت دیگر عمل جمله ای که در آن حرف пока به همراه ادات نفی به کاررفته (بخش فرعی)، عمل بخش اصلی را محدود، متوقف، قطع و یا به اتمام می رساند. در ترجمه پراخووا و کراچکوفسکی به درستی از قید еще (هنوز) و نفی فعل کامل در زمان گذشته استفاده شده است که ماضی نقلی متوقع را به خوبی نشان می دهد.

Или вы думали, что войдете в рай, когда Аллах еще не узнал тех из вас, кто сражался и кто был терпелив?

نتیجه

با بررسی ترجمه های روسی آیه های قرآن که دربردارنده حروف «لم» و «لما» هستند، نتایج زیر به دست آمد:

هنگامی که پیش از فعل مضارع مسبوق به «لم»، ادات شرط بیاید، معنای آن مختص به مضارع می گردد. در آن صورت در ترجمه روسی آن از نفی فعل کامل استفاده می شود. زمانی که حرف «لم» به طور مطلق، گذشته را نفی می کند و یا برای نفی گذشته متوقع الوقوع به کار می رود، در آن صورت در ترجمه روسی آن، نفی فعل ناکامل کاربرد دارد. همچنین، حرف «لم» برای نفی استمرار عمل در زمان گذشته، به کار می رود که در این صورت در ترجمه روسی آن نیز از نفی فعل ناکامل استفاده می شود.

در ترجمه حرف «لما» نیز، همانند حرف «لم» در زبان روسی از نفی فعل ناکامل استفاده می گردد؛ زیرا معنای منفی فعل تا زمان حال امتداد دارد که معنای توقع از آن برداشت می شود. برای ارائه ترجمه دقیق تر نمود این افعال در زبان روسی، قید еще در کنار نفی فعل ناکامل، امتداد عمل تا زمان حال را به خوبی نشان می دهد.

در چهار ترجمه ارائه شده، ایگناتی کراچکوفسکی، ترجمه نسبتاً مناسب تری از نمود این افعال، ارائه داده است. خاطرنشان می گردد، والریا پراخووا با توجه به ترجمه منظوم آیات، در ترجمه نمود در مقایسه با نوری عثمانف و المیر کولیف، موفق تر بوده است. ترجمه پیشنهادی مقاله، به ترجمه کرچکوفسکی نزدیکتر است.



منابع

۱. قرآن کریم، رضایی اصفهانی، محمدعلی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دارالذکر، ۱۳۸۴ش.
۲. ابن هشام، عبدالله بن یوسف، مغنی اللیب عن کتب الأعراب، دمشق: دار الفکر، ۱۹۸۵.
۳. ابن هشام، عبدالله بن یوسف، شرح شذور الذهب فی معرفة کلام العرب، تهران: دار الکوخ، ۱۳۸۴.
۴. ابوالحسنی، چیمه زهرا، «انواع نمود واژگانی در افعال فارسی»، ادب فارسی، دوره ۱، شماره ۶، ۱۳۹۰.
۵. انوری، حسن و حسن احمدی گیوی دستور زبان فارسی ۲، تهران: فاطمی، ۱۳۸۵.
۶. آیتی، عبدالمحمد، ترجمه قرآن، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۴.
۷. ابن حموش، مکی، مشکل اعراب القرآن، مصحح: سواس، یاسین محمد، بیروت: دار الیمامة، ۱۴۲۳.
۸. _____، الهدایة إلى بلوغ النهایة، شارجه: جامعة الشارقة، کلیة الدراسات العليا و البحث العلمی، ۱۴۲۹.
۹. حسن، عباس، النحو الوافی مع ربطه بالأسالیب الرفیعة و الحیاة اللغویة المتجددة، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۷.
۱۰. حمداوی، جمیل، «الجهة فی اللغة العربیة»، نشریه دراسات استشرافیة - المکرز الإسلامی للدراسات الاستراتیجیة، دوره ۲۱، ۲۰۲۰.
۱۱. دسوقی، محمد بن أحمد بن عرفة، حاشیه الدسوقی علی مغنی اللیب، بیروت: دار و مکتبه الهلال، ۲۰۰۹.
۱۲. دهلوی، احمد بن عبدالرحیم، ترجمه قرآن (شاه ولی الله دهلوی)، سراوان: کتابفروشی نور، بی تا.
۱۳. رازی، ابوالفتح، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مصحح: ناصح، محمد مهدی، یاحقی، محمدجعفر، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸.
۱۴. رجبی نوشابادی، فرهاد؛ جرفی، محمد؛ مختاری، قاسم؛ سجادی، سید ابوالفضل و شهبازی، محمود، « کاربرد های فعل ماضی در دستور عربی و فارسی با رویکردی به آیات قرآن»، پژوهش های ادبی - قرآنی، دوره ۷، شماره ۲۷، ۱۳۹۸.
۱۵. رضی الدین استرآبادی، محمد بن حسن، شرح الرضی علی الکافیة، تصحیح و تعلیق: عمر، یوسف حسن، تهران: موسسة الصادق للطباعة و النشر، ۱۳۸۴.
۱۶. زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، دمشق: دار الفکر، ۱۴۱۱.
۱۷. سیبویه، عمر بن عثمان، الکتاب، بی جا: اعلمی، بی تا.
۱۸. صادقی تهرانی، محمد، ترجمان فرقان: تفسیر مختصر قرآن کریم، قم: شکرانه، ۱۳۸۸.
۱۹. صبان، محمد بن علی، حاشیة الصبان علی شرح الأشمونى علی ألفیة ابن مالک، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۳۰.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للطبوعات، ۱۳۹۰.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، مصحح: یزدی طباطبایی، فضل الله، رسولی، هاشم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۲۲. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲.

۲۳. فراء، يحيى بن زياد، معانى القرآن، محقق: نجار، محمد علي، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۸۰.
۲۴. فرشيدور، خسرو، دستور مفصل امروز، تهران: سخن، ۱۳۸۸.
۲۵. فقهی زاده، عبدالهادی، کارگاه روش ترجمه عربی - فارسی؛ فارسی - عربی، تهران: سازمان سمت، ۱۳۹۳.
۲۶. القواقزه، محمدحسن، الزمن الماضي ف اللغة العربيه، نشریه مجله مجمع اللغة العربيه الاردني، دوره ۸۳، ۱۴۳۳.
۲۷. گلفام، ارسلان، اصول دستور زبان، تهران: سمت، ۱۳۹۰.
۲۸. لازار، ژيلبر، دستور زبان فارسی معاصر، مترجم: بحرینی، مهستی، تهران: هرمس، ۱۳۸۹.
۲۹. مدنی، عليخان بن احمد، الحقائق النديه فی شرح الفوائد الصمدية، محقق و مصحح: سجادی، ابو الفضل، قم: ذوی القربی، ۱۳۹۴ش.
۳۰. مشکوة الدینی، مهدی، دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۷.
۳۱. معروف، يحيى، فن ترجمه: اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و فارسی به عربی، تهران: سازمان سمت، ۱۳۹۶.
۳۲. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، محقق: شحاته، عبدالله محمود، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۳.
۳۳. ناتل خانلری، پرویز، دستور زبان فارسی، تهران: توس، ۱۳۸۸.
۳۴. ناظر الجیش، محمد بن یوسف، شرح التسهيل المسمى تمهيد القواعد بشرح تسهيل الفوائد، بی جا، دار السلام، بی تا.
۳۵. نحاس، احمد بن محمد، اعراب القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۱.
۳۶. نسفی، عمر بن محمد، تفسیر نسفی، مصحح: جوینی، عزیز الله، تهران: صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش، ۱۳۷۶.
۳۷. نغزگوی کهن، مهرداد، افعال معین و نمایش نمود در زبان فارسی، دوره ۴، شماره ۱۴، ۱۳۸۹.
۳۸. نوبهار، مهرانگیز، دستور کاربردی زبان فارسی، تهران: رهنما، ۱۳۸۹.
۳۹. Shopen, Timothy. Language Typology and Syntactic Description. London. Cambridge university press, ۱۹۸۵.
۴۰. Виноградов В.В. Русский язык (грамматическое учение о слове). -М.: Высшая Школа, ۱۹۸۶.
۴۱. Захраи С.Х. Сидорова М.Ю. Вид глагола: правила и употребление, Тегеран: САМТ, ۲۰۰۹.



Resources:

۱. *Translation of the Quran*, Rezaei Isfahani, Mohammad Ali et al., The first group translation of the Holy Quran, Qom: Dar al-Dhikr, ۲۰۰۵.
۲. Abolhasani, Chimeh Zahra, 'Types of Lexical Expressions in Persian Verbs', Persian Literature, Volume ۱, Number ۶, ۲۰۱۱.
۳. Al-Qawaqazah, Mohammad Hasan, *Al-Zaman al-Madi fi Al-Lughah al-Arabiyyah*, Journal of the Jordanian Linguistics Association, Volume ۸۳, ۱۴۳۳.
۴. Anwari, Hassan and Hassan Ahmadi, *Persian Grammar Book 2*, Tehran: Fatemi, ۲۰۱۵.
۵. Ayati, Abdul Mohammad, *Quran Translation*, Tehran: Soroush Publications, ۱۹۹۵.
۶. Dasuqi, Mohammad bin Ahmed bin Arafah, *Marjah al-Dasuqi Ala Mughni al-Labib*, Beirut: Dar and Maktaba al-Hilal, ۲۰۰۹.
۷. Dehlavi, Ahmed bin Abdul Rahim, *Translation of the Quran (Shah Waliullah Dehlavi)*, Saravan: Noor Book Store, n.d.
۸. Fafra, Yahya bin Ziyad, *Ma'ani al-Quran*, Edited by Najjar, Mohammad Ali, Cairo: Al-Haiah al-Misriyyah al-Ammah lil-Kitab, ۱۹۸۰.
۹. Farshidor, Khosrow, *The New Comprehensive Grammar*, Tehran: Sokhan, ۲۰۰۹.
۱۰. Fiqhizadeh, Abdul Hadi, *Arabic-Persian Translation Method Workshop; Farsi-Arabic*, Tehran: SAMT Organization, ۲۰۱۴.
۱۱. Golfam, Arslan, *Principles of Grammar*, Tehran: SAMT, ۲۰۱۰.
۱۲. Hamdawi, Jamil, 'Al-Jihat fi al-Lughah al-Arabiyyah', Oriental Studies Journal - Islamic Center for Strategic Studies, Volume ۲۱, ۲۰۲۰.
۱۳. Hassan, Abbas, *Al-Nahw al-Wafi ma'a Rabihi bi al-Asalib al-Rafia'h wa al-Hayat al-Lughawiyah al-Mutajaddidah*, Tehran: Nasir Khosrow, ۱۹۸۸.
۱۴. Ibn Hamoush, Makki, *Al-Hidayah fi Bulugh al-Nihayah*, Sharjah: Sharjah University, Faculty of Higher Studies and Scientific Research, ۱۴۲۹.
۱۵. Ibn Hamoush, Makki, *The Problem of the Arabs of the Quran*, Edited by Suas, Yasin Mohammad, Beirut: Dar Al-Yamamah, ۱۴۲۳.
۱۶. Ibn Hisham, Abdullah bin Yusuf, *Mughni al-Labib an Kutub al-Aarib*, Damascus: Dar al-Fakr, ۱۹۸۵.
۱۷. Ibn Hisham, Abdullah bin Yusuf, *Sharh Shazoor al-Dhahab in the Knowledge of Arabic Language*, Tehran: Dar al-Kukh, ۲۰۰۵.
۱۸. Lazar, Gilber, *Contemporary Persian Grammar*, Translator: Bahraini, Mehesti, Tehran: Hermes, ۲۰۱۰.
۱۹. Ma'rouf, Yahya, *The Art of Translation: Theoretical and Practical Principles of Translation from Arabic to Persian and Persian to Arabic*, Tehran: SAMT Organization, ۲۰۱۶.
۲۰. Madani, Alikhan bin Ahmad, *al-Hadaiq al-Nandiyah fi Sharh al-Fawad al-Samadiyyah*, Edited and Researched by Sajjadi, Abu al-Fazl, Qom: Dhawi al-Qurabi, ۲۰۱۵.
۲۱. Maqatil bin Suleiman, *Tafsir of Maqatil bin Suleiman*, Researched by Shahatah, Abdullah Mahmoud, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi. ۱۴۲۳
۲۲. Mishkat al-Dini, Mehdi, *Persian Grammar Based on Gestari Theory*, Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad, ۲۰۰۸.
۲۳. Naghzgokuhan, Mehrdad, *Definite Verbs and Demonstratives in Persian Language*, Series ۴, Number ۱۴, ۲۰۱۰.
۲۴. Nahas, Ahmad bin Mohammad, *I'rab al-Quran*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Mohammad Ali Bizoun's Publications, ۱۴۲۱.
۲۵. Nasafi, Omar bin Mohammad, *Tafsir Nasafi*, Edited by Jowini, Azizullah, Tehran: Radio and Television of the Islamic Republic of Iran, Soroush Publications, ۱۹۸۷.
۲۶. Natal Khanleri, Parviz, *Persian Grammar*, Tehran: Toos, ۲۰۰۹.

۲۷. Nazer al-Jish, Mohammad bin Yusuf, *Sharh al-Tashil Known as Tahmhid al-Gawaid bi Sharh al-Tashil al-Fawaid*, N.p., Dar al-Salam, n.d.
۲۸. Nobahar, Mehrangiz, *Applied Persian Grammar*, Tehran: Rahnama, ۲۰۱۰.
۲۹. Rajabi Noushabadi, Farhad; Jarfi, Mohammad; Mokhtari, Qasim; Sajjadi, Seyyed Abulfazl and Shahbazi, Mahmoud, 'Usages of Past Tense in Arabic and Persian Grammar with an Approach to Quranic Verses', *Literary-Quranic Researches*, Volume ۷, Number ۲۷, ۲۰۱۹.
۳۰. Razi al-Din Astrabadi, Mohammad bin Hassan, *Sharh al-Razi Ala al-Kafiyay*, Edited and Revised by Omar, Yusuf Hassan, Tehran: Al-Sadiq Publishing House, ۲۰۰۵.
۳۱. Razi, Abul Fattouh, *Ruz al-Jinan wa Ruh al-Jinan fi Tafsir al-Quran*, revised by Naseh, Mohammad Mahdi, Yahaqi, Mohammad Jafar, Mashhad: Astan Quds Razavi, ۱۴۰۸.
۳۲. Sabban, Mohammad bin Ali, *Hashiyyah al-Sabban Ala Sharh al-Ashmouni ala Alfiyah of Ibn Malik*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, ۱۴۳۰.
۳۳. Sadiqi-Tehrani, Mohammad, *Furqan Interpretation: A Brief Interpretation of the Holy Quran*, Qom: Shokraneh, ۲۰۰۹.
۳۴. Shopen, Timothy. *Language Typology and Syntactic Description*. London. Cambridge university press, ۱۹۸۵.
۳۵. Sibawayh, Omar bin Othman, *Al-Kitab*, N.p.: A'lami, n.d.
۳۶. Tabari, Mohammad bin Jarir, *Jame al-Bayan on Taweel Ai Quran*, Beirut: Dar al-Ma'rifah, ۱۴۱۲.
۳۷. Tabarsi, Fazl bin Hassan, *Al-Bayan fi al-Uloom al-Quran*, Revised by Yazdi Tabatabai, Fazlollah, Rasouli, Hashim, Tehran: Naser Khosrow, ۱۹۹۳.
۳۸. Tabatabai, Mohammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*, Beirut: Al-A'lami Publishing House, ۱۳۹۰.
۳۹. Zuheili, Wahbah, *Al-Tafsir al-Munir fi al-Aqeedah wa al-Sharia wa al-Manhaj*, Damascus: Dar al-Fakr, ۱۴۱۱.
۴۰. Виноградов В.В. *Русский язык (грамматическое учение о слове)*. -М.: Высшая Школа, ۱۹۸۶.
۴۱. Захраи С.Х. Сидорова М.Ю. *Вид глагола: правила и употребление*, Тегеран: САМТ, ۲۰۰۹.